

[قصاص سکران 1](#_Toc533052226)

[مراد از سکر 2](#_Toc533052227)

[کلام صیمری در مورد سکر 2](#_Toc533052228)

**موضوع**: شرط چهارم: کمال عقل /شروط قصاص /قصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث منتهی شد به اینجا که اگر قتل توسط شخص مست صورت بگیرد، قصاص ثابت هست یا نه؟ این مسأله مبتلا به و مهمی هست. مثلا اگر شخصی مست باشد و رانندگی کند و در حال مستی کسی را بکشد قصاص ثابت هست یا نه؟

# قصاص سکران

جمعی از محققین مانند مرحوم محقق[[1]](#footnote-1) و فخر المحققین[[2]](#footnote-2)می گویند اراده سکران مثل اراده شخص عادی است و در نتیجه قتل عمد محسوب شده و قصاص ثابت است. این مسأله که شخص مست مثل فرد عادی هست یا نه در تکالیف دیگر غیر از قتل و قصاص هم اثر دارد مثلا اگر شخص در اثناء وقت، مست باشد، آیا تکلیف نماز متوجه او می شود یا نه؟ اگر قائل شدیم که سکران مکلف نیست، هر چند عصیانا خودش را مست کرده است، ولی به صرف مستی کالمجنون می شود که دیگر تکلیفی به او تعلق نمی گیرد در نتیجه قصاص هم ثابت نیست. شخصی که خودش را مست می کند مانند خانمی است که قبل از دخول وقت دارو مصرف می کند که حائض شود و با دخول وقت دیگر تکلیف نماز به او تعلق نمی گیرد. البته فرقش این است که خانم در این صورت گناهی هم مرتکب نشده است. بله اگر بعد از دخول وقت به اندازه نماز وقت داشته باشد و نماز نخواند و دارو مصرف کند که حائض شود معصیت هم کرده است. مثال دیگر هم شخص صائم است که قبل از ظهر می تواند مسافرت کند و تکلیف وجوب صوم را از خود ساقط کند. کسی هم که خودش را مست می کند گر چه کار او حرام است ولی دیگر بعد از مستی چرا مکلف به احکام نباشد. الحاصل اینکه سکران کالمجنون است و عقود و ایقاعات او هم بی اثر است یا نه مانند شخص عادی است و مکلف به احکام.

# مراد از سکر

خود سکر مراتبی دارد و مراد ما از سکر آن مرتبه ای نیست که فرد را به زوال عقل می کشاند، چون در صورت زوال عقل دیگر واضح است که مکلف نیست اما نه به ملاک سکر بلکه از این جهت که قابلیت تکلیف را ندارد. اگر مراد از سکر این مرتبه باشد اصلا توهم تمشی قصد از او هم نمی شود که حکم به صحت عقود و ایقاعات او شود. بلکه فرض ما جایی است که سکر او مانع از تمشی قصد نشود. مثلا وقتی بحث می کنند عقود و ایقاعات صبی صحیح است یا نه توهم این هم نمی شود که مراد از صبی، صبی غیر ممیز باشد. سکر اگر منجر به فقد عقل و اراده شد بلا اشکال مانع از توجه تکلیف است و مانع از صحت عقد هم هست. ولی اگر به این مرتبه نرسیده بلکه درک و شعور دارد جا دارد بحث کنیم که آیا می توان او را مکلف کرد یا نه. مراد مرحوم محقق[[3]](#footnote-3) هم که فرموده است «السکران کالصاحی» همین مرتبه از سکر است که زوال عقل نمی شود.

## کلام صیمری در مورد سکر

مرحوم صیمری در غایةالمرام [[4]](#footnote-4)فرموده است « الفرق بين السكران و المبنج و شارب المرقد ‌تابع للفرق بين خواص المسكرات، فخاصة الخمر النشوة لشاربها و السرورو قوة النفس، و قد يحصل مع ذلك تغير العقل، و اختلال الكلام المنظوم، و ظهور السر المكتوم، و عربدة في الكلام، و خواص البنج تغير العقل لا غير، من غير نشوه و لا سرور و لا قوة نفس مع تعب الحواس، و خاصة المرقد كخاصية البنج و يزيد على ذلك تغيرالحواس الخمس بحيث يصير راقدا لا يتحرك منه شي‌ء كالميت، غير أنه فيه نفس» مستفاد از کلام ایشان این است که سکر غیر از بیهوشی و اغماء است. سکر موجب سرور و نشاط غیر عادی و قوتی در نفس می شود. البته در مواردی هم ممکن است استفاده از مسکرات به زوال عقل یا اغماء منجر شود که این دیگر مستی نیست. پس مست کسی است که عقل او زائل نشده باشد. حال که این طور شد به نظر محقق این شخص که مست هست و عقلش زائل نشده است مکلف به احکام هست و اگر قتلی انجام دهد قصاص می شود و تکالیف دیگر هم بر او منجز است زیرا رفع القلم عن السکران نداریم. ( بر خلاف مجنون که رفع القلم عن المجنون داریم)

1. [شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلّی)، ج4، ص201.](http://lib.eshia.ir/71613/4/201/كالصاحي) [↑](#footnote-ref-1)
2. [إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، ج4، ص600.](http://lib.eshia.ir/71534/4/600/لإجرائه%20) [↑](#footnote-ref-2)
3. [شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلّی)، ج4، ص201.](http://lib.eshia.ir/71613/4/201/كالصاحي) [↑](#footnote-ref-3)
4. [غاية المرام في شرح شرائع الإسلام ، الصيمري البحراني، الشيخ مفلح، ج4، ص388.](http://lib.eshia.ir/71577/4/388/والمبنج) [↑](#footnote-ref-4)